

راز دره هادسون

همه ما به آسمان چشم دوخته بودیم، چون یک جسم مثلثی‌شکل با چراغ‌های رنگی داشت بالای سرمان در آسمان به آرامی حرکت و پرواز می‌کرد.



همه ما به آسمان چشم دوخته بودیم، چون یک جسم مثلثی‌شکل با چراغ‌های رنگی داشت بالای سرمان در آسمان به آرامی حرکت و پرواز می‌کرد.

صدای [ها](#)؛ [لام](#)؛ یکدست و واضحی هم از آن شنیده می‌شد.

برخی پرونده‌های دنیای یوفولوژی بسیار پیچیده هستند. برخی هم توضیح ساده‌ای دارند. اما همیشه کسانی وجود داشته‌اند که یکی از این دو طرف را برمی‌گزینند و حاضر به پذیرفتن نظر مخالف نیستند.

در اوایل دهه‌های ۱۹۸۰ (۱۳۶۰)، حادثه‌های عجیب در دنیای یوفولوژی ایالات متحده و آمریکا اتفاق افتاد که بسیاری را متقاعد کرد که فرازمینی‌ها شب‌ها روی منطقه‌های دره رودخانه هادسون پرواز می‌کنند.

برایان دانینگ (Brian Dunning) در این مقاله تلاش دارد تا تاریخچه و جنبه‌های مختلف این گزارش‌ها را بررسی کند. آیا صدها نفر از مردم یک سفینه فضایی عظیم‌الجثه را دیده بودند؟ یکی از دوستان قدیمی من، جو میال (Joe Miale)، است.

او امسال فیلم سینمایی و علمی-تخیلی [انقلاب کن](#) (Revolt) را کارگردانی کرد. از قضا، حادثه‌های دره هادسون در شکل گرفتن تفکرات او در کودکی، تأثیر بسزایی داشته است.

درست مانند کتاب‌های مربوط به پاگنده و اشباح که من در کودکی می‌خواندم. مدتی پیش از او داستان تجربه‌اش با یوفوی دره هادسون را پرسیدم.

او چنین پاسخ داد: [من در آن زمان ۱۰ سال داشتم. با لباس خانه روی چمن‌های جلوی منزلمان ایستاده بودم. پدر و مادر و برادرم هم آن‌جا بودند.](#)

همسایه‌ها هم بیرون بودند. یک شب گرم تابستانی بود و ما در حومه نیویورک زندگی می‌کردیم. همه ما به آسمان چشم دوخته بودیم، چون یک جسم مثلثی‌شکل با چراغ‌های رنگی داشت بالای سرمان در آسمان به آرامی پرواز می‌کرد.

صدای [ها](#)؛ [لام](#)؛ یکدست و واضحی هم از آن شنیده می‌شد. در آن زمان قابل توجه‌ترین نکته برای من، عکس‌العمل بزرگ‌ترها بود.

به نظر می‌رسید آن‌ها هوشیارتر و در عین حال، گیج شده بودند. خیلی از آن‌ها در حال دشنام دادن یا فریاد زدن بودند. مادرم تلاش کرد تا از آن عکس بگیرد.

وقتی که فلش دوربین روشن شد، نورهای روی آن وسیله، خاموش شدند. همه به این کار عکس‌العمل نشان دادند. او به پلیس زنگ زد و پلیس به او گفت که عده‌های بسیاری، دیدن این نور را گزارش کرده‌اند.

در روزهای بعد، این حادثه در بسیاری از خبرگزاری‌های محلی منعکس شد. اتومبیل‌های بسیاری در بزرگراه‌ها کنار جاده متوقف شده بودند تا آن صحنه را بهتر تماشا کنند.

دولت آن را یک شوخی می‌دانست. من تصور می‌کردم که به پروژه‌های نظامی ارتباط داشته باشد، اما

قطعا آن جسم هر چه که بود، یک وسیله و پروازی معمولی نبود، چون عکس و عمل‌های بسیار مختلفی را در انسان‌های مختلف برانگیخته بود.

به عنوان یک کودک، لحظه و بسیار باشکوه و شگفت‌انگیزی برای من بود. من در آن زمان، عاشق داستان‌های علمی-تخیلی بودم و این اتفاق باعث شد عشق من به این ژانر برای همیشه تثبیت شود.

آغاز یک افسانه

این مشاهدات به مرور زمان تبدیل به افسانه شدند. مهم‌ترین دلیل آن هم چاپ و انتشار کتابی تحت عنوان «محاصره» شب: مشاهدات یوفوی دره هادسون (Night Siege: The Hudson Valley UFO Sightings) در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) بود.

نویسندگان این کتاب دو یوفولوژیست به نام‌های فیلیپ جی ایمبرونیو (Philip J. Imbrogno) و باب پرات (Bob Pratt) بودند.

البته نام یوفولوژیست افسانه‌ای و مشهور یعنی دکتر جی آلن هاینک (J. Allen Hynek) هم در بین این نویسندگان ذکر شده بود، ولی دکتر هاینک پیش از به پایان رسیدن کتاب، از دنیا رفت.

طی سال‌های بعد، چندین کتاب دیگر هم در مورد این حادثه نوشته شد. حتی در سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) در یکی از قسمت‌های سریال «رازهای حل‌نشده» (Unsolved Mysteries) به این حادثه پرداخته و با بسیاری از شاهدان عینی این مشاهده مصاحبه شد.

در بین این افراد، چند افسر پلیس هم مشاهده می‌شدند. با توجه به گستره و عظیم گزارش‌ها می‌دانیم که صدها نفر این یوفو یا یوفوها را در تابستان آن دو سال، به چشم دیده‌اند.

برخی منابع حتی گزارش‌هایی از این مشاهده‌ها را در سال‌های دیگر هم ثبت کرده‌اند و تقریبا تمام توصیف‌ها از این مشاهدات بسیار شبیه به هم هستند.

به دنبال یوفو

من همیشه آرزو داشتم که در گزارشی ببینم یک نفر، سوار اتومبیل خود شده و این یوفو را دنبال کرده باشد تا این‌که گزارشی پیدا کردم که در آن یک نفر دقیقا همین کار را کرده بود.

در آگوست ۱۹۸۴ (مرداد ۱۳۶۳)، یعنی در اواسط تابستان دوم، جفری اشمالز (Jeffrey Schmalz) که در نشریه «نیویورک تایمز» کار می‌کرد، پرونده‌ای از این دست را کشف کرده بود.

او این حادثه را چنین گزارش کرد:

«یک افسر پلیس به نام «گروهان کنت وی اسپایر» (Sgt. Kenneth V Spire) از گروهان K پلیس ایالتی در یکی از شب‌ها مسئول گشت در منطقه بود که دوباره این یوفو را مشاهده کرد

او هم بلافاصله سوار اتومبیل خود شد و تا «فرودگاه استورم ویل» (Stormville Airport) به تعقیب آن پرداخت. در آن زمان بود که متوجه شد این نورها چند هواپیمای سبک‌وزن بودند که در آرایش ثابت پرواز می‌کردند.

این افسر پلیس با چند نفر از خلبانان این هواپیماها هم به صحبت پرداخت و آن‌ها هم با خوشحالی با او صحبت کردند. مشخص بود این نورها نوعی اشتباه یا شوخی بوده‌اند. اشمالز این مسئله را برای تأیید به اطلاع «اداره» (Federal Aviation Administration) یا FAA رساند.

«تیموتی ال هارنت (Timothy L. Hartnett) که در آن زمان، معاون اجرایی FAA در شرق کشور بود، اعلام کرد که پرواز کردن در آرایش مشخص، غیرقانونی نیست.

او گفت که خلبانان تا جایی که احساس امنیت کنند، می‌توانند در کنار هم یا نزدیک به هم پرواز کنند. همین‌طور در مناطق پر از سکنه، هواپیماها می‌توانند تا ارتفاع صدوپنجاهمتری هم پایین بیایند.»

منبع: همشهری دانستنیها